

عنوان مقاله:

تحلیل الزامات کارآفرینی جهت دستیابی به توسعه ی درون زای منطقه ای (موردپژوهی: استان تهران)

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های جغرافیای اقتصادی، دوره 4، شماره 13 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

امیر قاسمی - کارشناسی ارشد برنامه ریزی منطقه ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

بهزاد ملک پور اصل - استادیار برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

برهم کنش کارآفرینی منطقه ای در کنار متغیرهای دیگری نظیر رهبری، نهادها، تناسب با ساختار بازار و موهبت منابع، می تواند یک منطقه را به سوی شکوفایی و توسعه ی درون زا سوق دهد. در این مسیر، کارآفرینی منطقه ای یکی از متغیرهای میانجی توسعه ی درون زای منطقه ای بوده و می تواند مانند یک کاتالیزور، فرآیند دستیابی به توسعه را تسهیل کند. هدف از این پژوهش نیز، بررسی و واکاوی ارتباط میان این اجزا در دستیابی به توسعه اقتصادی درون زا در سطح منطقه موردپژوهش است. از این رو پس از آن که در بخش نظری پژوهش، ذیل متغیرهای اصلی کارآفرینی منطقه ای یعنی سرمایه ی انسانی و دانش جدید، معیارها و شاخص هایی از منابع متعدد احصاء گردید، با بهره جویی از روش هایی نظیر روش PLS و معادلات ساختاری و با تکیه بر داده های آماری موجود و گردآوری شده ذیل شاخص ها در سطح موردپژوهی یعنی شهرستان های استان تهران، روابط موجود میان شاخص ها با یکدیگر، شاخص ها با متغیرها و متغیرهای مستقل و میانجی با متغیر وابسته از طریق دستیابی به مدل اندازه گیری پژوهش تحلیل شد. از آن جا که در مدل اندازه گیری پژوهش، بارهای عاملی میان هریک از متغیرها با شاخص های خود، بیش از ۴/۰ بوده و همچنین ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی هریک از متغیرها بیش از ۷/۰ است، درنتیجه پایایی مدل پژوهش قابل قبول است. همچنین، میانگین واریانس استخراجی تمامی متغیرها بزرگتر از ۵/۰ است، درنتیجه روایی همگرایی مدل نیز در بازه قابل قبول است؛ از سوی دیگر، مقادیر موجود در قطر اصلی ماتریس فورنل و لاکر، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگتر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این مدل، از روایی واکرای قابل قبولی نیز برخوردار است. مدل ساختاری پژوهش نیز، در سطح معناداری کوچکتر از ۵ درصد، ضریب رگرسیونی ۶۹۸/۰ را میان دو متغیر کارآفرینی و توسعه درون زای منطقه ای نشان می دهد که ارتباط میان این دو متغیر و درنتیجه فرضیه پژوهش را در سطح معناداری قابل قبول اثبات می کند. در انتهای پژوهش و با اثبات نقش میانجی گر کارآفرینی در فرآیند توسعه درون زای منطقه ای، وضعیت توسعه یافتگی هریک از شهرستان های استان تهران مبتنی بر داده های پژوهش نشان داده شده است و سیاست ها و برنامه هایی در راستای ارتقای سطح توسعه یافتگی شهرستان های کمتر توسعه یافته مبتنی بر عناصر و المان های کارآفرینی پیشنهاد گردید.

کلمات کلیدی:

کارآفرینی منطقه ای، توسعه ی اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی، معادلات ساختاری، آماره استون گیسر، ضریب آلفای کرونباخ، ماتریس فورنل و لاکر، سطوح توسعه یافتگی، سیاستگذاری و الزامات فضایی، برنامه های اقدام فضایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1940747>

